

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

پانزدهم رمضان ۱۴۴۳ مطابق با ۱۴۰۱/۱/۲۸

ميلاد خجسته امام حسن مجتبی (علیه السلام)

ميلاد دومين اختر تابناک امامت، امام حسن مجتبی (علیه آلاف التحية و الثناء) بر همه ارادتمندان و موالیان و محبين اهل بيت عصمت و طهارت تبریک و تهنيت باد و بهترين بهره‌های از اين مناسبت نصيب و روزی همه شيعيان و مسلمانان و محرومين جهان باشد انشاءالله

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَالَمُ بِالتَّأْوِيلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْهَادِي الْمَهْدِي السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الظَّاهِرُ الزَّكِيُّ
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّقِيُّ النَّقِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَقُّ الْحَقِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ الصَّدِيقُ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

ميلاد كريم آل طاها آمد از بهر همه روح مسيحا آمد

درپيش قدومش همگی برخيزيد گفتند که چون يوسف زهرا آمد

حضرت امام حسن مجتبی (صلوات الله و سلامه عليه) فرمود: «إِعْلَمُوا إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا، وَلَيْسَ بِتَارِكِكُمْ سُدًى، كَتَبَ آجَالَكُمْ، وَقَسَمَ بَيْنَكُمْ مَعَائِشَكُمْ، لِيَعْرِفَ كُلُّ ذِي لُبٍّ مَنَزِلَتَهُ، وَأَنَّ مَا قَدَّرَ لَهُ أَصَابُهُ، وَمَا صُرِفَ عَنْهُ فَلَنْ يُصِيبَهُ... بدانيد که خداوند شما را بيهوده نيافريده و به خود رهايتان نکرده است. مدت عمر شما را رقم زده و روزی هایتان را میان شما قسمت کرده است، تا هر خردمندی جایگاه خود را بشناسد و بداند که آنچه برایش مقدر شده است به او می رسد و آنچه برایش مقدر نشده، هرگز به او نخواهد رسید...» (تحف العقول، ص ۲۳۲)

موضوع تدبر:

فهم هدف زندگی در دنیا، قدر و منزلت هر انسانی نسبت به خودش و يقين به مقدرات الهی چگونه در بيان امام مجتبی (علیه السلام) توضیح داده شده است؟

پاسخ:

اجمالاً از عبارت «لِيَعْرِفَ كُلُّ ذِي لُبٍّ مَنَزِلَتَهُ» فهمیده می شود که هدف و فلسفه وجودی هر انسانی در دنیا این است که جایگاه خود را در هستی بشناسد (نسبت به جهان، دیگر موجودات، مبدأ و معاد و آفریدگار هستی) این مضمون در کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) این چنین آمده: «هَلَكَ امْرُؤٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ - هَلَاكٌ مِثْلُ مَنْ لَا يَعْرِفُ قَدْرَهُ» (نهج البلاغه، دشتی، حکمت ۱۴۹) و نیز فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً أَعَدَّ لِنَفْسِهِ وَ اسْتَعَدَّ لِرَمْسِهِ وَ عَلِمَ مِنْ أَيْنَ وَ فِي أَيْنَ وَ إِلَى أَيْنَ - رحمت خدا بر

کسی باد که مقدمات تربیت و تعالی نفس خود را آماده سازد و خود را برای عالم قبر آماده سازد و بداند که از کجا آمده است و در کجاست و به کجا می‌رود» (شرح اصول کافی، جلد ۱، ص ۵۷۱)

روزها فکر من این است و همه شب سخنم که چرا غافل از احوال دل خویشتم

از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود به کجا می‌روم آخر ننمائی وطنم

«مِنْ أَيْنَ»: اشاره به معرفت مبدأ است (خدا شناسی). خداوند در قرآن کریم، در آیات فراوانی به معرفی خود پرداخته است که باید به تفصیل و دقت مورد مطالعه قرار گیرد، اما به طور اجمال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ - ای مردم! این شمايید که به خداوند نیاز دارید و (تنها) خداوند، بی‌نیاز و ستوده است. «(فاطر/ ۱۵) و نیز فرمود: «... وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ - جز خدای یکتا خدایی نیست، و همانا خداست که (بر همه کار) توانا و (به حقایق) داناست. «(آل عمران/ ۶۲)، «وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْنَا وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ - و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هرگز هیچ کس از شما پاک نمی‌شد، ولی خداست که هر کس را بخواهد پاک می‌گرداند. «(نور/ ۲۱)

ای جود تو سرمایه و سود همه کس وی ظل وجود تو وجود همه کس

گر فیض تو يك لحظه بعالم نرسد معلوم شود بود و نبود همه کس

تعبیر «فِي أَيْنَ» در روایت حضرت امیر (علیه السلام) اشاره به معرفت طریق است (دنیا شناسی) که در قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) عمدتاً درباره شناخت دنیا، مطالب فراوانی ذکر شده؛ روزی جابر بن عبدالله انصاری خدمت امام علی علیه السلام بود و آه عمیقی کشید. امام فرمود: گوئی برای دنیا اینگونه نفس عمیق و آه طولانی کشیدی؟ جابر عرض کرد: آری بیاد روزگار و دنیا افتادم و از ته قلبم آه کشیدم. امام فرمود: ای جابر، تمام لذتها و عیشها و خوشیهای دنیا در هفت چیز است: خوردنیها و آشامیدنیها و شنیدنیها و بوئیدنیها و آمیزش جنسی و سواری و لباس. اما لذیذترین خوردنی عسل است که آب دهان حشره ای به نام زنبور است. گواراترین نوشیدنیها آب است که در همه جا فراوان است. بهترین شنیدنیها غناء و ترنم است که آن هم گناه است. لذیذترین بوئیدنیها بوی مشک است که آن خون خشک و خورد شده است که از ناف یک حیوان (آهو) تولید می‌شود. عالیترین آمیزش، با همسران است و آن هم نزدیک شدن دو محل ادرار است. بهترین مرکب سواری اسب است که آن هم (گاهی) کشنده است. بهترین لباس ابریشم است که از کرم ابریشم به دست می‌آید. دنیائی که لذیذترین متاعش این طور باشد انسان خردمند برای آن آه عمیق نمی‌کشد. جابر گوید: سوگند به خدا بعد از این موعظه دنیا در قلبم راه نیافت. (بحار الانوار جلد ۱۷)

در کافی شریف از قول امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمودند: «مَنْ أَصْبَحَ وَ أَمْسَى وَ الدُّنْيَا أَكْبَرُ هَمِّهِ جَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى الْفَقْرَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ شَتَّتْ أَمْرَهُ وَ لَمْ يَنْلُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ وَ مَنْ أَصْبَحَ وَ أَمْسَى وَ الْأَخِرَةُ أَكْبَرُ هَمِّهِ جَعَلَ اللَّهُ الْغِنَى فِي قَلْبِهِ وَ جَمَعَ لَهُ أَمْرَهُ - اگر هم و غم کسی همیشه دنیا باشد، به دنیا نمی‌رسد و همواره پریشان احوال است و بیش از آنچه قسمت او بوده، روزی نمی‌برد؛ ولی اگر کسی به

دنبال آخرت باشد، خداوند او را توانگر و بی‌نیاز می‌کند و امور دنیایش را اصلاح می‌فرماید.» (الکافی، ج ۲، ص ۳۱۹)

پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله وسلم» می‌فرماید: «مَنْ أَصْبَحَ وَالدُّنْيَا أَكْبَرُ هَمِّهِ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ وَ أَلْزَمَ قَلْبُهُ أَرْبَعَ خِصَالٍ هَمًّا لَا يَنْقُطِعُ عَنْهُ أَبَدًا وَ شُغْلًا لَا يَنْفَرِجُ مِنْهُ أَبَدًا وَ فَقْرًا لَا يَبْلُغُ غِنَاهُ أَبَدًا وَ أَمَلًا لَا يَبْلُغُ مُنْتَهَاهُ أَبَدًا» (جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۶)

طبق این حدیث، اگر هم و غم کسی دنیا باشد، خداوند متعال هیچ اعتنایی به او ندارد و دست عنایت خدا روی سرش نیست. عبارت «فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ»، هشدار بزرگ و خطرناکی است. این جمله، فقط یک مرتبه در قرآن کریم آمده و آن مربوط به رابطه و مرادۀ مسلمان‌ها با کفار است. (آل عمران/۲۸)

علاوه بر آن هشدار، می‌فرماید: چنین کسی به چهار درد مبتلا می‌شود؛ اول اینکه دلش همیشه پر از غم و غصّه است تا بمیرد. دوم، همواره محتاج است، حتی اگر از نظر مالی در رفاه باشد، قلب او محتاج است. سوم، اشتغال دائمی به غیر خدا دارد. چهارم، آمال و آرزو، سراسر وجودش را می‌گیرد. خداوند متعال عهد کرده است که رزق بندگان را برساند: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» - خداست که خود روزی‌بخش نیرومند استوار است. «(ذاریات/ ۵۸)

دنيا طلبا در دو جهان مهجوری عقبی طلبا تو از حقیقت دوری

مولا طلبا ار عشق مولا داری مولا طلبی در دو جهان منصوری

تعبیر «إِلَى آيِن» در روایت حضرت امیر (علیه السلام) اشاره به معرفت معاد است. «وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ - و بی‌شک شما از نشأۀ اول خود آگاه شدید (که از عدم به وجودتان آوردیم) پس چرا متذکر (عالم آخرت) نمی‌شوید؟» (واقعه/۶۲)

هرکس که می‌خواهد در راه تربیت و تکامل نفس قدم بگذارد باید ابتدا نفس خود را و قابلیت‌هایی را که خداوند در او قرار داده است بشناسد تا بتواند آخرت را بشناسد؛ شناخت نفس راه آخرت‌شناسی و خداشناسی است و حتی شناخت دنیا هم بی‌ارتباط به خود‌شناسی نیست؛ چرا که انسان تا خودش را و قابلیت‌های خودش را نشناسد نمی‌تواند در راه تربیت و تکامل آن قدم بگذارد.

در کتاب انیس الادباء آمده است: مرویست که پیرمردی خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! من پیرمرد و شکسته شده‌ام مرا نصیحتی فرمای که باعث رفعت درجه من گردد در عقبی، و سبب عزت من باشد در دنیا. حضرت فرمود: یا شیخ! اگر بدنبال معرفتی دو چیز را فرا بگیری: یاد خداوند جلّ ذکره را و مرگ را. و اگر خواهی فراموش کنی دو چیز را فراموش کن: احسانی که نسبت به مردم کرده‌ای تا منت ننهاده باشی، و بدی که مردم با تو کرده‌اند تا کینه نورزی. (الکافی /ج ۲/ص ۳۰۸ /باب عصیة)

از این حدیث فهمیده می‌شود آغاز این معارف بلند با یاد خدا و مرگ بدست می‌آید و دیگر امور فرع این دو رکن اساسی محسوب می‌شود.

تو از عالم همین لفظی شنیدی

بیا بر گو که از عالم چه دیدی

چه دانستی ز صورت یا زمعنا

چه باشد آخرت چونست دنیا

نکته مهم دیگر در سخن امام مجتبی (علیه السلام) که موضوع تدبیر ما بود این قسمت از فرمایش ایشان است که فرمودند: «... وَأَنْ مَّقْدَرَ لَهُ أَصَابُهُ، وَمَا صُرِفَ عَنْهُ فَلَنْ يُصِيبَهُ...» - و بدانند که آنچه برایش مقدر شده است به او می رسد و آنچه برایش مقدر نشده، هرگز به او نخواهد رسید...» در قرآن می خوانیم که «قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» - بگو: هرگز جز آنچه خدا برای ما خواسته به ما نخواهد رسید، اوست مولای ما، و البته اهل ایمان در هر حال باید بر خدا توکل کنند». (توبه/۵۱)

امام علی (علیه السلام) وقتی از نگهبانی یارانش گرد خانه خود برای حفظ جاننش باخبر شد، برای آن ها دعا کرد و لبخندی زد و فرمود: «شما آمدید تا مرا از آسمانیان محافظت کنید یا از اهل زمین؟» آن ها گفتند: «از اهل زمین». امام فرمود: «چیزی در آسمان نیست جز اینکه در زمین می باشد و چیزی در زمین نیست جز اینکه در آسمان است»، سپس این آیه را تلاوت فرمود: قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا. آنگاه به آنان دستور داد تا به خانه هایشان برگردند و دیگر این کار را تکرار نکنند. (بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۲۶۲)

خداوند قوانین حاکم بر اجزای نظام آفرینش را بر اساس علم و حکمت وضع نموده است (همه چیز را بر اساس اندازه ها و مقدرات مناسب خود)، چنان که فرمود: «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» - به راستی خدا برای هر چیزی اندازه ای مقرر کرده است». (الطلاق/۳)

درباره انسان نیز این تقدیرات از ابتدای آفرینش تا بازگشت بسوی پروردگارش به اراده ازلی و مشیت و حکمت الهی، نه بر اساس استحقاق و شایستگی های افراد بلکه تفضلاً، برای او قرار داده شده است و خداوند انسان را به دنیا فرستاد تا شاهد و گواه قدر و منزلت و استحقاق و اختیار خود در میدان آزمایش و ابتلائات باشد؛ تا فردای قیامت نیز یقین داشته باشد و گواهی دهد که پروردگارش بیش از شایستگی و استحقاقش به او مرحمت فرموده است؛

از پس آنکه رسول آمد با وعد وعید

چند گویی که بدو نیک بتقدیر و قضاست

گنه و کاهلی خود بقضا بر چه نهی

که چنین گفتن بیمعنی کار سفهاست

به دست من و توست نیک اختری

اگر بد نجویم نیک اختیریم

امام حسن مجتبی (سلام الله علیه) می فرمایند: «وَ إِذَا أَرَدْتَ عِزًّا بِلَا عَشِيرَةٍ وَ هَيْبَةً بِلَا سُلْطَانٍ فَأَخْرِجْ مِنْ ذُلِّ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَةِ اللَّهِ عِزًّا وَ جَلًّا» - اگر کسی ابهت اجتماعی بخواهد، اگر کسی عزت اجتماعی بخواهد و دوست داشته باشد که حکومت بر دل ها پیدا کند، باید از ذلت معصیت خارج شده، به عزت طاعت و بندگی خدا وارد گردد». (کفایة الاثر، ص ۲۲۸)

و نیز فرمود: «... قد کفاکم مؤونة الدنيا و فرغکم لعبادته و حثکم علی الشکر و افترض علیکم الذکر و أوصاکم بالتقوی و جعل التقوی منتهی رضاه و التقوی باب کل توبة و رأس کل حکمة و شرف کل عمل، بالتقوی فاز من فاز من المتقین...» خداوند بار هزینه‌ی دنیا را تقبل کرده و شما را برای عبادتش فارغ البال ساخته و بر شکرگزاری ترغیبتان کرده و یاد خود را بر شما فرض کرده و به تقوا سفارشتان نمود و تقوا را منتهای رضایت خود قرار داده است. تقوا، درب هرتوبه‌ای بوده و سرآغاز هر حکمتی می‌باشد و هر عملی با تقوا شرافت می‌یابد. و هر کس از پرهیزکاران که نجات یافته است، به وسیله‌ی تقوا نجات یافته است. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «بی‌تردید، برای متقین راه نجات هست»

و فرموده است: «خداوند کسانی را که تقوا پیشه کردند به خاطر آن که خوب امتحان دادند نجات خواهد داد، بدی و گزندى به آنها نخواهد رساند و آنها را اندوهی نباشد.» پس ای بندگان خدا، خدای را پاس بدارید و بدانید که هر کس خدای را پاس بدارد، خداوند گریزگاهی از فتنه‌ها برای او خواهد گذاشت و اموراتش را به سامان خواهد رساند و زمینه رشدش را فراهم خواهد کرد و با برهانش او را پیروز خواهد نمود. رو سفیدش کرده و او را به آرزویش خواهد رساند. البته این همه نعمت را همراه کسانی خواهد داشت که خداوند، نعمت به آنها ارزانی داشته است، یعنی همه پیامبران و صدیقین و شهدا و صالحین. و اینان خود بهترین همراهند.» (تحف العقول، ص ۲۳۲)

از خرمن حق توشه توفیق نجیدند

کنند دل از دانه و از دام رمیدند

آنانکه نکشتند به دل دانه تقوی

صاحب نظران دانه نکردند تمنا

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة